

شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

(تعرض به آسیب دیدگان، صدمه ناشی از سهل انگاری، ایجاد جو بدبینی)

محمدرضا یزدانیان _ مدیرکل حقوقی سازمان قضایی ن.م

قسمت سیزدهم:

ماده (۵۳): هر نظامی که حین انجام وظیفه مرتکب جرایم ذیل گردد، در هر مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود:

الف - چنانچه نسبت به مجروح یا بیمار آزار روحی یا صدمه بدنی وارد کند.

ب - چنانچه اموال مجروح یا بیمار یا مرده‌ای را تصاحب نماید.

چ - چنانچه نسبت به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، در حالی که کمک رسانی از وظایف اوست، از کمک خودداری کند.

تبصره - در موارد فوق‌الذکر، در صورتی که مورد از مصادیق قصاص یا دیه نیز باشد یا اموالی را تصاحب کرده باشد حسب مورد به قصاص، دیه یا استرداد اموال نیز محکوم می‌گردد.

شرح ماده:

۱- **مرتکب جرم:** کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آن‌ها، کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه و محصلان نیروهای مسلح و کسانی که به طور موقت و برابر مقررات استخدامی ن.م، از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند ممکن است به عنوان «هر نظامی» به عنوان مرتکب جرم موضوع این ماده، تحت تعقیب قرار گیرند.

۲- **عنصر مادی جرم:** رکن مادی بزه از سه جزء تشکیل شده است:

الف - ایراد صدمه بدنی یا روحی نسبت به مجروح یا بیمار

ب - تصاحب اموال مجروح یا بیمار یا فوت شده

ج - امتناع از کمک به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند.

مقررات این ماده در جهت حمایت از آسیب دیدگان و در راستای تعالیم حیات بخش فرهنگی و اخلاقی اسلام و با الهام از منابع فیاض و پویای فقه و هماهنگ با مفاد معاهدات و قراردادهای بین‌المللی تدوین شده است.

برابر مقررات ماده (۳) قرارداد ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو با موضوع بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران در نیروهای مسلح «هر گونه لطمه به حیات یا تمامیت بدنی، ایراد جرح، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه، آزار، و لطمه به حیثیت کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، در هر زمان و هر مکان ممنوع است.»

همچنین برابر مفاد ماده (۱۲) قرارداد موصوف «اعضای نیروهای مسلح و سایر افراد مشمول قرارداد که مجروح یا بیمار شوند، در همه احوال مورد احترام و حمایت قرار می‌گیرند.»

در فصل هشتم آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مقررات حمایتی از مجروحان و آسیب دیدگان منطبق با مفاد «قرارداد ژنو» پیش‌بینی شده است.

در ماده (۷۲) آیین‌نامه مزبور تصریح شده است که باکلیه ی اسیران و افرادی که در جنگ زخمی شده‌اند و از کار می‌افتند باید با انسانیت رفتار شود و در ماده (۷۳) نیز آمده است که مجروحین، بیماران و مغرورین باید تحت مواظبت قرار گرفته و برای درمان آنان اقدام گردد.

در شرایط رزمی نیز هر عضوی از نیروهای مسلح وظیفه دارد که به مجروحان و آسیب دیدگان هم رزم خود کمک نماید. فلذا ایراد صدمه جسمی و روحی نسبت به مجروح یا بیمار و تصاحب اموال آنان و جان باختگان و یا خودداری از کمک به افرادی که در معرض خطر جانی قراردارند، نه تنها واجد وصف کیفری بوده و مشمول مقررات ماده (۵۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می‌شود، بلکه عمل مرتکب به عنوان ارتکاب اعمال و رفتار برخلاف شئون نظامی موضوع بند (م) ماده (۱۱۶) آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح تخلف انضباطی نیز محسوب می‌شود.

۳- هر چند که از لحاظ لغوی بیمار به معنای مریض، علیل، ناخوش، دردمند و ناتوان است^(۱) و از نظر پزشکی نیز به فردی گفته می‌شود که در ساختار نرمال و یا عملکرد طبیعی بدن او اختلال و یا توقف ایجاد شود،^(۲) لیکن منظور از بیمار موضوع این ماده شخصی است که قدرت دفاع از جان یا مال خود را ندارد، فلذا صرف وجود یک عارضه جسمی و یا روحی در فرد مثل ناراحتی جزئی معده و یا افسردگی عادی و مانند آن را نمی‌توان مشمول مقررات جزایی این ماده دانست. سابقه تقنینی موضوع گواه این نظر است، در ماده (۳۵) قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح آمده بود که هر نظامی در ارتباط با خدمت نسبت به مجروح یا بیماری که قدرت دفاع از خود را ندارد آزار روحی یا صدمه بدنی وارد نماید... که در قانون جدید عبارت «قدرت دفاع از خود را ندارد» حذف شده است که به نظر نگارنده این تغییر به علت ایجاد شبهه و اختلاف استنباط و برداشت قضایی از موضوع در جهت مطلوب نبوده است.

۴- آزار روحی اعم است از هر نوع رنج، عذاب، شکنجه و اذیت روحی که به نحوی موجب ناراحتی و تألم و آزار فرد شود.

۵- نیازی نیست که تصاحب اموال مجروح یا مرده یا بیمار ارکان و شرایط سرقت را داشته باشد، صرف تصرف کردن یا صاحب شدن مال مجروح یا مرده و یا بیمار برای تعقیب کیفری مرتکب کفایت می‌کند و چنانچه عمل ارتكابی عناصر و شرایط خاص سرقت را نیز داشته باشد موضوع از مصادیق تعدد معنوی خواهد بود.

۶- مجنی‌علیه موضوع این ماده ممکن است نظامی و یا غیر نظامی باشد و ارتکاب عمل در زمان جنگ و یا صلح نیز تأثیری در مجازات مرتکب ندارد.

۷- برابر مقررات ماده واحده ی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴: «هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال به ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.» همچنین به موجب بند ۲ ماده واحده مزبور «هر گاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار

دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد» بنابراین اگر فرد نظامی از کمک رسانی به مجروحان یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند خودداری نماید، در حالی که کمک رسانی از وظایف اوست، برابر مقررات ماده (۵۳) قانون مجازات جرایم ن.م و چنانچه کمک رسانی از وظایف خاص او نباشد، وفق مقررات بند ۱ ماده واحده مذکور مجازات خواهد شد.

۸ - در صورتی که عمل مرتکب از مصادیق قصاص و یا دیه نیز باشد یا اموالی را تصاحب کرده باشد، حسب مورد به قصاص، دیه یا استرداد اموال هم محکوم می‌شود.

۹ - در صورتی مرتکب مشمول مقررات این ماده می‌گردد که ارتکاب جرایم حین انجام وظیفه باشد، هر چند که اگر در ماده از عبارت «حین خدمت» استفاده می‌شد مناسب‌تر بود و شبهه‌ای ایجاد نمی‌شد، اما با این عبارت نیز مشکل خاصی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا فرد نظامی تا زمانی که در محل خدمت حضور دارد در حین انجام وظیفه تلقی می‌شود. اداره حقوقی قوه قضائیه در این مورد اعلام نموده، از لحظه‌ای که کارمند در محل خدمت حضور یابد تا لحظه ترک محل، پیوسته در حین انجام وظیفه است...^(۳)

۱۰ - سؤالی که ممکن است به نظر برسد این است که اگر ایراد صدمه بدنی نسبت به مجروح یا بیمار منجر به یکی از حالات مذکور در ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی مانند نقص یا شکستن و یا از کار افتادن عضوی شود، از لحاظ جنبه عمومی مرتکب وفق مقررات ماده (۵۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مجازات می‌شود یا برابر ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی؟

در پاسخ باید گفت که موضوع مشمول عناوین هر دو ماده می‌گردد و مرتکب با رعایت مقررات تعدد معنوی جرم به مجازات می‌رسد که در فرض سؤال، مجازات ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی که اشد است تعیین می‌شود.

ماده (۵۴): «هر گاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسؤولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد، چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

مقررات ماده (۵۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که تأسیس حقوق جدید است راهکارهای مؤثر و کارآمد قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح در برخورد با پدیده مجرمانه محسوب می‌گردد، زیرا در موارد زیادی عدم اتخاذ تدبیر مناسب توسط فرماندهان و مسؤولان رده‌های مربوط و یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی آنان باعث تلفات جانی و یا صدمات بدنی می‌گردد که قبل از تصویب مقررات ماده (۵۴) در برخورد با این افراد خلاء قانونی وجود داشت.

شرح ماده:

۱- **مرتکب جرم:** فرماندهان و مسؤولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح ممکن است مرتکب بزه موضوع ماده (۵۴) باشند، به عبارت دیگر مقررات این ماده شامل نظامیانی می‌شود که عنوان «فرمانده و یا مسؤول» را داشته باشند.

فرمانده، فرد نظامی است که به لحاظ درجه یا شغل یا مسؤولیت و یا مقامی که به او واگذار می‌شود، وظیفه‌ی هدایت و فرماندهی یک یگان یا قسمت یا واحد را دارد و او تنها مقامی است که در مقابل اعمال و اقداماتی که یگان یا قسمت و یا واحد وی انجام می‌دهد پاسخگوست و مسؤولیت دارد. اما به نظر می‌رسد از «مسئول نظامی» در مقررات نیروهای مسلح تعریف خاصی ارائه نشده باشد، لکن در مقررات مزبور واژه‌های «رؤسا و مدیران» در کنار واژه‌ی فرماندهان آمده است. به عقیده نگارنده، مراد از مسؤولان رده‌های مختلف، رؤسا یا مدیران و یا سایر افرادی هستند که عنوان فرمانده را ندارند ولی به لحاظ شغل و مسؤولیتی که به آنان محول شده است، وظیفه هدایت و مدیریت رده تحت امر خود را برابر مقررات به عهده دارند.

۲- رکن مادی بزه: بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی منجر به تلفات جانی و یا صدمات بدنی عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد.

در تعریف بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی گفته شده که بی‌احتیاطی، انجام یا ارتکاب عمل یا فعلی است که فرد نباید انجام دهد، ولی بی‌مبالاتی، انجام ندادن کاری است که انجام آن لازم و ضروری بوده است. مبنای معیار سنجش بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی می‌تواند قضاوت عرف و یا مقررات مدون باشد. عدم رعایت نظامات دولتی نیز می‌تواند به معنای نادیده گرفتن مفاد بخش نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و سایر مقررات باشد که به منظور انجام صحیح و درست امری وضع می‌گردند. جرم موضوع این ماده از جرایم غیر عمدی بوده و منشاء آن تقصیر یا خطای جزایی است.

۳- بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرمانده یا مسؤول ذی‌ربط در صورتی مشمول مقررات این ماده می‌گردد که در رابطه با امور خدمتی باشد و چنانچه این اعمال در ارتباط با امور خدمتی نباشد وفق مقررات این ماده رفتار نمی‌گردد، هر چند که موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی شود. **۴- اگر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرمانده یا مسؤول مربوط علت مستقیم و تامه تلفات جانی و یا صدمات بدنی باشد، به عبارت دیگر چنانچه تلفات جانی و یا صدمات بدنی نتیجه مستقیم اعمال مزبور محسوب شود، بدون تردید مرتکب حسب مورد به قصاص و یا پرداخت دیه نیز محکوم خواهد شد.** چون برابر مقررات ماده (۳۱۶) قانون مجازات اسلامی جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب، موجب ضمان خواهد بود.

حال اگر در به وجود آمدن تلفات جانی و یا صدمات بدنی علاوه بر نقش فرمانده یا مسؤول به عنوان «سبب» فرد دیگری به عنوان مباشر مداخله داشته باشد، به صراحت ماده (۳۶۳) قانون مجازات اسلامی مباشر ضامن است، ضمن اینکه مجازات تعزیری فرمانده یا مسؤول به قوت خود باقی است، البته در این حالت اگر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب ضامن است.

اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز در یک نظر مشورتی اعلام نموده که: «کسی که حادثه مستند به فعل او بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا تخلف از مقررات و نظامات دولتی است، ضامن پرداخت دیه است.»^(۴)

۵- بین بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرمانده یا مسؤول ذی‌ربط با تلفات جانی و یا صدمات بدنی باید رابطه‌ی علیت و سببیت وجود داشته باشد تا موضوع مشمول مقررات این ماده

گردد، بنابراین اگر حسب نتیجه تحقیقات به عمل آمده و یا نظریه کارشناسی چنین رابطه‌ی احراز نگردد، مسؤولیتی متوجه فرمانده یا مسؤول مربوط نخواهد بود.

۶- صرف بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی توسط فرمانده یا مسؤول ذی ربط در امور خدمتی مشمول مجازات این ماده نمی‌گردد و در صورتی موضوع با مفاد ماده قابل تطبیق است که این بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی شود.

۷- مجنی‌علیه موضوع این ماده ممکن است نظامی باشد و یا غیر نظامی و از این حیث تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم ندارد.

۸- مجازات مرتکب چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و سایر قوانین، شدیدتر نباشد، یک تا سه سال حبس خواهد بود.

ماده (۵۵): «هر نظامی که با اقدام خود برخلاف شؤون نظامی به نحوی از انحاء موجبات بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد به حبس از دوماه تا یک سال محکوم می‌شود.»

شرح ماده:

۱- **مرتکب جرم:** «هر نظامی» مرتکب جرم موضوع این ماده است که شرح آن در ماده (۵۳) از نظر گذشت.

۲- **عنصر مادی جرم:** «فراهم نمودن موجبات بدبینی مردم نسبت به نیروهای مسلح با اقدام برخلاف شؤون نظامی» رکن مادی بزه را تشکیل می‌دهد.

عنصر مادی جرم با توجه به عبارت «اقدام خود» به صورت فعل مثبت مادی قابل تحقق است و شامل «اظهار و گفتار» نمی‌گردد، ماده (۳۷) قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح واژه «اظهار» را نیز قید کرده بود که در قانون جدید این حالت حذف شده است.

۳- از لحاظ ادبی و نگارش ماده، عبارت «اقدام برخلاف شؤون نظامی خود» صحیح‌تر از عبارت فعلی است، در ماده (۳۷) قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح عبارت «برخلاف شؤون نظامی» قید نشده بود که در قانون جدید این عبارت اضافه شده است.

۴- برابر مقررات بند (م) ماده (۱۱۶) آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، ارتکاب اعمال و رفتار برخلاف شؤون نظامی که به موجب مقررات تعیین و ابلاغ می‌گردد، از مصادیق تخلفات انضباطی محسوب می‌شود، فلذا اگر اعمال و رفتار برخلاف شؤون نظامی موجبات بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد به صراحت ماده (۱۳۶) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، رسیدگی به تخلف از نظر انضباطی توسط فرماندهان و مسؤولان نیروهای مسلح انجام می‌شود و این امر مانع رسیدگی به موضوع از لحاظ جرم بودن در مرجع قضایی نخواهد بود.

۵- صرف «اقدام برخلاف شؤون نظامی» موجب تحقق جرم نمی‌گردد، اقدامی جنبه مجرمانه دارد که به نحوی از انحاء موجبات بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم نماید؛ در غیر این صورت صرف اقدام برخلاف شؤون نظامی از مصادیق تخلفات انضباطی (موضوع بند "م" ماده ۱۱۶ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح) خواهد بود.

۶- اقداماتی که برخلاف شؤون نظامی محسوب می‌شوند در قانون و یا سایر مقررات احصاء نشده‌اند، فلذا معیار و ضابطه اصلی تشخیص، قضاوت عرف است، هر چند که ممکن است در بعضی مقررات، نظامیان از برخی اعمال و رفتار به جهت اینکه خلاف شؤون نظامی تلقی می‌شوند، منع شده باشند.

۷- اقدام برخلاف شؤون نظامی ممکن است فاقد وصف جزایی و یا واجد وصف کیفری مستقل نیز باشد؛ مانند ارتکاب اعمال منافی عفت و شرب خمر که در این صورت چنانچه وصف کیفری عمل مستقل، از جرایم تعزیری محسوب شود، موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می‌گردد.

اداره حقوقی قوه قضاییه در این مورد اعلام نموده: «در صورتی که عمل یا اعمال شخص نظامی با فرض داشتن سوء نیت اثر گذار به نحوی باشد که بتواند موجبات بدبینی به نیروهای مسلح را در مردم به وجود آورد، بزه ماده (۳۷) (ماده ۵۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تحقق یافته است هر چند که عمل یا اعمال ارتكابی فاقد جنبه ی جزایی باشد.»^(۵)

۸- بزه موضوع این ماده از نظر عنصر مادی از جرایم مطلق محسوب می‌شود، یعنی تحقق آن مقید و منوط به حصول نتیجه یعنی بدبین شدن مردم نسبت به نیروهای مسلح نیست، همین که عمل به نحوی باشد که نوعاً موجبات بدبینی را فراهم نماید برای تحقق جرم کفایت می‌کند. اداره حقوقی قوه قضاییه در این مورد بیان نموده است: «اعمال شخص نظامی بایستی اثرگذار باشد ولی لازم نیست اثر بدبینی هم حاصل شده باشد.»^(۶)

۹- عنصر معنوی جرم: سوء نیت و یا قصد مجرمانه عام به عنوان رکن روانی بزه کفایت می‌کند و نیاز به احراز قصد خاص مرتکب، یعنی قصد اضرار به نیروهای مسلح وجود ندارد، اداره حقوقی قوه قضاییه نیز این نظر را تأیید نموده است.^(۷)

۱۰- با عنایت به اینکه واژه‌های مذکور در ماده (۵۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مطلق و کلی هستند و تاب تفسیر موسع را دارند و ذکر عبارات و اصطلاحات کلی که دارای مفاهیم و مصادیق متعدد واحصاء نشده هستند، در قانون جزا مطلوب و مناسب به نظر نمی‌رسد و اصول مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی کیفری ایجاب می‌کند که در تدوین و نگارش قانون جزا، اصطلاحات کیفری شفاف، دقیق، جزئی، تعریف شده و مضیق و محدود به معانی و مفاهیم خاص ذکر شود، فلذا جرم زدایی از عنوان مجرمانه «ایجاد جو بدبینی مردم نسبت به نیروهای مسلح» و جایگزین کردن پاسخ انضباطی به جای پاسخ کیفری موافق با اصول حاکم بر جرایم و مجازات‌ها و هماهنگ با سیاست‌های قوه قضاییه است، کما اینکه در آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح «ارتکاب اعمال و رفتار برخلاف شؤون نظامی» از مصادیق تخلفات انضباطی محسوب شده است.

ادامه دارد...

منابع:

(۱) فرهنگ معین، جلد اول، ص ۶۳۳.

۲) Dorland, s dictionary

(۳) نظریه ی مشورتی شماره ۷/۱۱۱۶۰ - ۷۱/۱۱/۳.

(۴) نظریه ی مشورتی شماره ۷/۳۶۳۹ - ۷۳/۷/۱۶.

(۵) نظریه ی مشورتی شماره ۷/۲۴۵۷ - ۷۸/۶/۱۵ .
۶ و ۷) منبع پیشین (شماره ۵) .